

خوشا دامغان، کشور صد دری*

فرشید مقدم

دامغان شهر گهنی است که آثاری از دوره ساسانی دارد و گذشته دورترش به صدرروازه سلوکی می‌رسد. صدرروازه را جانشینان اسکندر ساختند اما بعد پایتخت اشکانیان شد. سلوکیان شکل‌های معماری یونانی را به ایران آوردند و تأثیرات آن‌ها در دوره‌های بعد هم به جا ماند. مسجد تاریخانه دامغان که در نیمه سده دوم هجری ساخته شده و می‌گویند قدیمی‌ترین مسجد ایران است هم شکل‌هایی ساسانی دارد.

مسجد تاریخانه به وضعی که امروز هست بنایی تماماً آجری است که ستون‌ها و طاق‌ها و ایوان و کف حیاطش همه آجر اند و هیچ مصالحی که رنگی غیر از رنگ طبیعی آجر و خاک داشته باشد در آن دیده نمی‌شود. نه کاشی، نه شیشه، نه نقاشی و گچ‌کاری وجود ندارد. جاهایی ساروج یا گچ و خاک هست، چوب هم جاهایی به کار رفته اما در مجموع در حیاط مربع ۷۲ در ۷۲ متر این مسجد شما در محیط محصور قرار می‌گیرید که یک رنگ و یک حس بیشتر ندارد. برای همین این حس نیرومند است. در سده سیزدهم هجری طاق‌های فروریخته را بازسازی کردند. طاق‌های قبلی، مازهدار یا بیضوی بودند اما طاق‌های جدید را تیزه‌دار ساختند. با این تغییر شکل مسجد کمی اسلامی‌تر شده اما چند طاق بیضوی هم به جا مانده است.



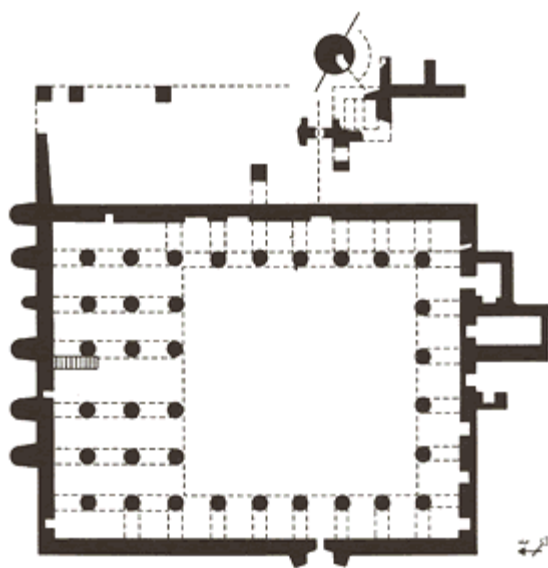
تصویر ۱- مسجد تاریخانه (عکس از behrah.com)

* مصرعی از مثنوی ساقی‌نامه ملک الشعراء بهار با مطلع «بده ساقی آن می که خواب آورد».

در یک روز بهاری به دامغان و دیدن جاذبه‌هایش رفته بودیم؛ اول از همه مسجد تاریخانه. نگهبان مسجد، پیرمرد خونگرمی بود. آمد و به همه بازدیدکنندگان شیرینی سنتی تعارف کرد. یک نان گرد کوچک و تختی بود شیرین و لذیذ. موقع رفتن چند دقیقه‌ای با وی گفتگو کردیم. می‌گفت یک حیاط دیگر طرف شمال مسجد بوده که اول انقلاب خرابش کردند و به جایش مسجدی جدید ساختند. چون آن مسجد بسیار نزدیک به مسجد تاریخانه ساخته شده است - حدوداً در سه متری - و ارتفاعش از دیوارشش متری حیاط تاریخانه بلندتر است، از حیاط تاریخانه دیده می‌شود و این منظره چشم‌نواز نیست.



تصویر ۲- مسجد تاریخانه و مسجد همسایه‌اش در سمت راست تصویر (عکس از جام جم آنلاین)



تصویر ۳- پلان مسجد تاریخانه از آندره گدار

درست در مرکز شهر دامغان مجموعه‌ای دیدنی هست شامل دو امامزاده و یک برج کوچک. امامزاده محمد، امامزاده جعفر و برج چهل دختر هر سه در یک حیاط قرار دارند. بنا و نمای این‌ها هم کاملاً آجری است. خبری از کاشی و سنگ نیست و همین معماری عصر سلجوقی را از قبل و بعدش جدا می‌کند. یک‌رنگی این بناها دلچسب است.



تصویر ۴- نزدیک غروب است و در صحن امامزاده محمد برای اقامه نماز جماعت فرش پهن می کنند.

صحن امامزاده‌ها محیطی امن و خودمانی است. اصلاً شبیه محیط‌های عمومی کلان‌شهر نیست که غریبه‌های فراوان در آن‌ها پرسه می‌زنند. غریبه در این شهر کلاً کم است. توجه بعضی از مردم هم به شکل محسوسی به غریبه‌ها جلب می‌شود. اما نگاه‌ها تهدیدی ندارند، بیشتر کنجکاو اند و مراقب. در صحن امامزاده‌ها باغچه باریکی است که در آن سبزیجات کاشته شده؛ تره و جعفری و غیره. خانمی داشت کمی از آن‌ها می‌چید. خادم حرم هم یک دسته کبوتر دارد. کفترهای خاص اند؛ شاید اسم و رسم‌دار؛ نمی‌دانم اما کفترچاهی نیستند؛ در حیاط توت‌های رسیده پای درخت‌ها را می‌خوردند.

برج چهل‌دختر تزیینات آجری چشمگیری دارد. در دامغان برج و مناره زیاد است. در حیاط تخریب‌شده مسجد تاریخانه هم یک مناره هست که الان در حیاط مسجد همسایه است. این برج ۲۵ متری که در شکل سالم‌اش بلندتر بوده، در دوره سلجوقی ایجاد شده است. می‌گویند مسجد ایرانی- اسلامی اول‌بار در سیر تاریخی تکامل‌اش در دوره سلجوقی مناره‌دار شده است. مناره مسجد تاریخانه هم یکی از قدیمی‌ترین مناره‌های ایران است. مسجد جامع دامغان نیز مناره‌ای از دوره سلجوقی دارد. اما بنای خود مسجد جامع در زمان قاجاریه از اساس بازسازی شده و چیز جذابی هم ندارد.



تصویر ۵- برج چهل دختر همسایه شمال غربی امامزاده محمد (عکس از Wikimedia Commons)

در شمال مجموعه امامزاده‌ها، رباط شاه عباسی قرار دارد؛ به فاصله ۱۰۰ قدم. در زمان بازدید ما در حال مرمت بود و درش بسته. همان بغل یک پارک هست به نام پارک ملت. برای توقف و کمی استراحت خوب است. ضلع شرقی پارک چند بستنی و آبمیوه‌فروشی و بقالی هم هست. در این پارک ساده و زیبا که یک مقداری دهه شصتی می‌زد - چون تاب و سرسره‌هاش از آن آهنی قدیمی‌ها بودند و پیاده‌روها و صندلی‌هاش هم همان حس پارک‌های بچگی ما را داشتند - یک چیز خیلی خاص هم بود که این پارک را از پارک‌های تهران و اصفهان و قزوین و زنجان و آذربایجان و گیلان و خلاصه تمام این استان‌هایی که زیاد رفته‌ام و بوده‌ام، متمایز می‌کرد و آن رنگ‌های غنی همه چیزهای طبیعی این پارک بود. تنه کاج‌ها قهوه‌ای بود که به سرخی می‌زد و برگ شمشادها خیلی سبز بود! میوه‌های کاج‌ها قهوه‌ای سوخته بود! به نظر من این طور بود. شاید از جنس خاک‌اش بوده باشد. دامغان باز هم جاهای دیدنی دارد. تپه حصار با آثاری از دوره پیش از تاریخ یعنی حدود ۷۰۰۰ سال پیش در جنوب دامغان در شرق ایستگاه راه‌آهن شهر قرار دارد و خط راه‌آهن از محدوده آن می‌گذرد. این محوطه به علت آثاری که از دوران پیش از تاریخ دارد بسیار مهم و ارزشمند است. در [اطلس تاریخ ایران](#) نوشته‌اند که آثار هخامنشی، پارتی، سلوکی و ساسانی هم در این محوطه شناسایی شده‌اند. ما به دلیل ناهماهنگی‌ای که پیش آمد نتوانستیم از این محوطه بازدید کنیم. اما بعد فکر کردیم که اگر بازدیدهای عمومی اثر نامطلوبی بر این محوطه داشته باشند همان بهتر که کسی به تماشای آن نرود. در ادامه آثاری از بازدیدهای عمومی را در «چشمه‌علی» تصویر کرده‌ام.

آن امامزاده‌هایی که شرح دادم در پنجاه متری غرب «چهارراه لاله» در مرکز شهرند. در مرکز دامغان چهارراه لاله هست و میدان امام خمینی در ۲۵۰ متری شرق آن. بازار دامغان یک راسته است از چهارراه لاله تا میدان امام به موازات خیابان ماشین‌رویی که این دو نقطه را به هم وصل می‌کند. بازاری کوچک متناسب با یک



تصویر ۷- برج پیر علمدار. برای مرمت مجموعه خشت می‌زنند. (عکس سمت چپ از behrah.com)

چشمه علی - در ۳۱ کیلومتری شمال غربِ دامغان - محلی خوش آب‌وهوا است. باغی دارد که محل تفریح قاجارها بوده و در آن دو بنای تابستانه و زمستانه هست. مردم می‌توانند در حیاط گردش کنند اما ورود به بناها مجاز نیست. گرچه خیلی شهروندنماهای ما پاچه‌ها را بالا می‌زنند و می‌روند توی بنای تابستانه که میان استخر است و میراث فرهنگی پل‌های آن را برداشته تا کسی واردش نشود. در حیاط کناری هم فروشگاه صنایع دستی، کافی‌شاپ، بقالی و جاهای جداگانه‌ای برای چادر زدن و پارک خودرو هست. روبه‌روی میدان تره‌بارِ دامغان ایستگاه سواری‌های خطی کلاته است که مسیرش از چشمه علی می‌گذرد. کرایه این خط نفری ۳۰۰۰ تومان است. در جاده کلاته نرسیده به چشمه‌علی دو قلعه بالای دو کوه مهرنگار و منصورکوه هست که کسانی که کمی اهل کوه‌پیمایی باشند می‌توانند آن‌ها را هم ببینند. گذشته از این‌ها در اطراف دامغان قلعه‌های دیگری هم هست. مثل قلعه گردکوه که روی تک کوهی است به همین اسم که در شمال جاده دامغان - سمنان واقع است. برج مهماندوست در روستای مهماندوست هم دیدنی است. برای رسیدن به این روستا بیست کیلومتر از دامغان باید به سوی شاهرود رفت.



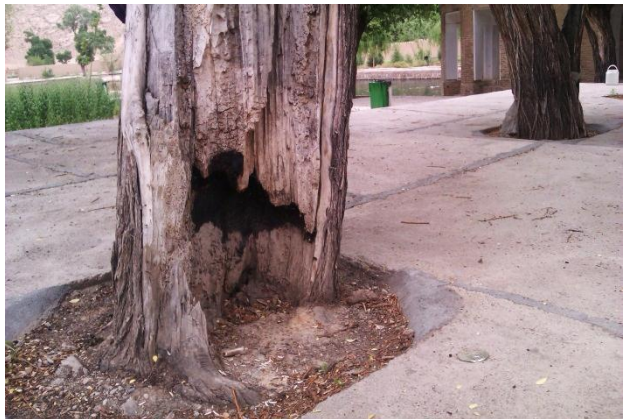
تصویر ۸- باغ تفریحی چشمه‌علی (عکس از سارا کریمی)



تصویر ۱- «ورود به بناهای تاریخی اکیداً ممنوع»



تصویر ۱۰- بنای تاریخی‌ای که ورود به آن ممنوع است. (عکس از بیرون بنا گرفته شده)



تصویر ۱۱- باغ چشمه علی. فرایند خشکاندن درخت‌ها وقتی این کار غیرمجاز است: پوست درخت را می‌کنند؛ طی چند سال تا طبیعی به نظر برسد. گاهی از راه‌های کمکی هم استفاده می‌شود: روشن کردن آتش زیر درخت. درخت ظرف دو سه سال می‌میرد. آنگاه بریدنش مجاز است. کنده‌های

ریشه در خاک را هم می‌سوزاند که دوباره سبز نشوند. به نظر نمی‌رسد کار مردم عادی باشد. این تصویرها را متأسفانه در شهرهای مختلف می‌توان دید.

دامغان در مسیر راه آهن سراسری است، پس برای مشهدی‌ها یا تهرانی‌ها، قطار وسیله خوبی برای رسیدن به دامغان است. مسافرتی سبک و کوتاه که در هر آخر هفته بهار یا پاییز ممکن است. دامغان هم طبیعت زیبا دارد، هم آثار تاریخی دیدنی، هم تاریخ خواندی و هم - از همه مهم‌تر و بی‌تعارف - مردمی مهربان، نیک‌خو و یاریگر.

